

خبر

رایزنی درباره سوریه در آنتالیای وسوچی

● **شرق:** وزرای خارجه ایران، روسیه و ترکیه به‌زودی در آنتالیای ترکیه دیدار و گفت‌وگو خواهند داشت. مولود جاوش‌اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه پس از دیدار با جبران باسیل، هم‌تای لبنانی خود در نشست خبری مشترک در آنکارا اعلام کرد: پیش از نشست سه‌جانبه رؤسای جمهور ترکیه، روسیه و ایران روز چهارشنبه ۲۲ نوامبر در شهر سوچی، وزیران خارجه سه کشور آخر هفته در آنتالیا دیدار خواهند داشت. به گزارش تسنیم، او افزود: «در سوچی نشست سه‌جانبه‌ای صورت خواهد گرفت. به دنبال آن ابتدا مقامات عالی‌رتبه و کارشناسان‌مان دیدار خواهند کرد. همچنین به عنوان وزرای خارجه سه کشور نیز آخر هفته در آتالیاای ترکیه دیدار خواهیم کرد. در این نشست نتایج حاصل‌شده تاکنون را ارزیابی خواهیم کرد». همچنین گرم‌لین اعلام کرد روسیه میزبان نشستتی برای رسیدگی به مسئله سوریه با حضور مقامات ایران و ترکیه خواهد بود. به گزارش ایسنا به نقل از روتترز، دیدمتری پِسکوف سخنگوی کاخ ریاست‌جمهوری روسیه (کرم‌لین) برگزاری نشستی در این کشور با موضوع سوریه را تأیید کرد. وی در یک کنفرانس خبری به خبرنگاران گفت این نشست ماه نوامبر در شهر سوچی روسیه با حضور ۲۲ نفر از مقامات ایران و ترکیه برگزار خواهد شد. پِسکوف تصریح کرد: من از کشورهایی صحبت می‌کنم که همگی تضمین‌کننده‌های روند برقراری آتش‌بس و صلح در سوریه هستند. دستور کار این نشست سوریه است. بنا بر این گزارش، ایران، روسیه و ترکیه پیش از این توافق‌ای برای ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه و برقراری آتش‌بس امضا کردند.

پیام ظریف به تونس

● **ایسنا:** فرستاده ویژه ظریف پیامی از طرف وزیر خارجه کشورمان به وزیر خارجه تونس تحویل داد. به گزارش پایگاه خبری تورس، وزارت امور خارجه تونس در بیانیه‌ای اعلام کرد محمد ایرانی، فرستاده ویژه وزیر خارجه ایران با خمیس الجهنایوی، وزیر خارجه تونس دیدار کرد و پیام مهمی را از طرف محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران در رابطه با روابط دوجانبه و آخرین تحولات منطقه به وی تحویل داد. وزارت خارجه تونس اعلام کرد در این دیدار خمیس الجهنایوی بر اهمیت گسترش روابط و همکاری میان ایران و تونس در تمام زمینه‌ها به‌خصوص بعد از سفر محمدجواد ظریف به تونس در ژوئن ۲۰۱۷ تأکید کرد. وزیر خارجه تونس در این دیدار ضمن محکوم‌کردن حمله موشکی به عربستان از سوی انصارالله یمن بر اهمیت ایجاد امنیت و ثبات در منطقه و حل تمام مشکلات از طریق گفت‌وگو و تفاهم تأکید کرد.

ادامه از صفحه ۶

نبرددر خانه

ارتش عراق دوبار از مسیر سوسنگرد تا نزدیکی‌های شهر اهواز پیشروی کرد، ولی با مقاومت رزمندگان و مردم روبه‌رو شد و ناجار عقب‌نشینی کرد. سرانجام ارتش عراق با وجود تلاش‌های بسیار نتوانست اهواز را تصرف کند و نهایتا در شب‌چردان مستقر شد و آرایش دفاعی به خود گرفت».

اگر سوسنگرد را می‌گرفت

در گزارش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس هم آمده است: «نتیجه به‌دست‌آمده، حاکی از صحت این تحلیل است که نیروهای دشمن درصورت عدم مقاومت مؤثر در برابرشان، اهداف خطرناکی را دنبال می‌کنند، ولی چون تنها از برتری کمی خود در نیروی انسانی و ادوات جنگی سود می‌برند و برتری کیفی ندارند و به‌خصوص از نظر روحیه در وضع نامناسبی به‌سر می‌برند، تهاجم جدی و نسبتاً طولی علیه آنان بسیار مؤثر است». این مطلب در پیوست طرح عملیاتی شماره ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز، مورخه ۵۹/۸/۲۵، در بند «ت» پیوست تحت عنوان «هدف‌های احتمالی» چنین آمده است: «دشمن چنانچه موفق شود شهر سوسنگرد را تصرف و موقعیت خود را در این شهر تثبیت نماید، با پشتیبانی یگان‌های مستقر در الله‌اکبر خواهد توانست به جناح سمت چپ تیپ ۳ تک نموده، پس از عبور از کرخه خود را به پادگان دشت آزادگان برساند؛ چنانچه موفق به این کار شود، با تقویت یگان‌های مستقر در مقابل اهواز، به اهواز نیز تک خواهد کرد.» در بند «ج» تحت عنوان «کاریابی رزمی و روحیه» چنین آمده است: «تأچه در طول مدت عملیات ثابت شده، دشمن فاقد کارایی و آموزش لازم در جنگ بوده و روحیه پرسنل به‌خصوص رده‌های پایین فوق‌العاده ضعیف است و تمایل به جنگ ندارند و ادامه جنگ هم به خاطر فشاری است که توسط عوامل یعنی به آنها وارد می‌شود».

شاید به همین دلایل بود که شکستن حصر و آزادی سوسنگرد، یکی از مهم‌ترین تحولات ماه‌های ابتدایی جنگ بود؛ این‌گونه بود که ایران پس از شکست‌شدن حلقه تنگ محاصره سوسنگرد، نفسی تازه کرد.

politics@sharghdaily.ir

مجید پالاولیه: چراغ قویون (چراغ بگذارد)؛ کاسیلار گل‌سینلر (فقرا بیایند)؛ قویماین نامرده موحتاج اولسونلار (نگذارید محتاج نامردان شوند)، یوخسولارین قارنین دیویورون (شکم فقرا را سیر ببرد)، تبریزی ساتمایین (تبریز را نفروشید)... یاشاسین ایران یاشاسین مشروطه (زنده‌باد ایران زنده‌باد مشروطه)...

این آخرین دیالوگ ستارخان در تئاتر اتابک پارکینین تراژدیسی، به کارگردانی سیروس مصطفی است که چندی پیش در چند شهر ایران و چند کشور دیگر روی صحنه رفت و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت. این دیالوگ‌ها برگرفته از وصیت‌نامه مردی است که سردار ملی نام گرفته و سهمش از روزگار ما تنها تابلوی چند خیابان و کوچه است. دو یادگار ستارخان؛ یعنی خانه‌اش در تبریز با درهای بسته و تخته‌سنگی سیاه در «شهرری» که زیر آن آرمیده به دست فراموشی سپرده شده‌اند.

ستارخان چگونه به امیرخیز آمد؟

ستار د ۲۸ مهر ۱۲۴۵ در روستای بیشک ورزقان که امروزه به آن «سردار کندی» می‌گویند به دنیا آمد. برادر بزرگش، اسماعیل، در ایام جوانی به دستور حاکم وقت به دلیل مخالفت با شاه دستگیر و اعدام شد. پس از این حادثه بود که شاه حسن همراه خانواده به محله امیره‌قیز (امیرخیز) تبریز مهاجرت کرد. ستارخان پس از حضور در تبریز به عیاری پرداخت. پدرش قبل از مرگ وصیت کرد او انتقام بردارش را از قاجارها بگیرد.

آغاز استبداد صغیر

وقتی کلنل لیاخوف به دستور محمدعلی‌شاه، مجلس را به توپ بست و تعدادی از نمایندگان، ازجمله میرزا ابراهیم آقا‌صبا، نماینده تبریز، را به شهادت رساند، ستارخان در تبریز به این وقایع اعتراض کرد. او در ۱۱م استبداد صغیر، رهبری مجاهدین تبریز، ارامنه و قفقازی‌ها را برعهده داشت و مقاومتی طاقت‌فرسا را به همراهی مردم تبریز که او را رهبر خود می‌دانستند رقم زد. ستارخان و باقرخان در این دوران اقدام به مذاکره با یکدیگر کردند و نتیجه این مذاکرات همراهی آنها با یکدیگر شد.

وقتی با موافقت انگلیس و محمدعلی‌شاه، قوای روس به سمت تبریز حرکت کردند، ستارخان و دیگر مجاهدین برای رفع بهانه تجاوز در تلگرافی خطاب به محمدعلی‌شاه نوشتند: «شاه به‌جای پدر و توده به‌جای فرزندان است، اگر زنجشی میان پدر و فرزندان رخ دهد، نباید همسایگان یا به میان گذارند. ما هر چه می‌خواستیم از آن درمی‌گذریم و شهر را به اعلی‌حضرت می‌سپاریم. هر رفتاری که با ما می‌خواهند بکنند و اعلی‌حضرت بی‌درنگ دستور دهند که راه خواربار باز شود و جایی برای گذشتن سپاهیان روس به ایران باز نماند». محمدعلی‌شاه پس از این تلگراف به نیروهای دولتی دستور ترک

سیاست



نگاهی به زندگی ستارخان

سردار مشروطه

محاصره داد؛ اما روس‌ها وارد تبریز شدند، ستارخان حاضر نشد از دولت روس اطاعت کند. در منابع آمده ستارخان به کنسول روس که می‌خواست پرچم سفید را به سردر خانه خود بزند، گفت: «جناب کنسول! من می‌خواهم هفت دولت زیر سایه بیرق ایران باشد، شما می‌خواهید من زیر بیرق روس بروم؟ هرگز چنین کاری نخواهد شد!»

سفر به تهران

هفتم ربیع‌الاول ۱۳۲۸ هجری‌قمری، ستارخان و باقرخان به دعوت محمدعلی‌شاه راهی تهران شدند. در بین راه از این دو مجاهد آزادی استقبال باشکوهی شد؛ هنگام ورود به تهران، نیمی از شهر برای استقبال به باغ مهرآباد شتافتند. آنها یک ماه میهمان دولت بودند؛ اما به دلیل وجود سربازان، دولت باغ اتابک را به اسکان ستارخان و بارانش اختصاص داد. پس از

باقرخان ضد نیروهای آنان خاطره خوبی نداشت، سه روز پس از عاشورای سال۱۳۳۰ هجری‌قمری (دی‌ماه ۱۲۹۰ شمسی) با گلوله‌های توپ، خانه این دو سردار بزرگ مشروطه را با خاک یکسان کرد.

قبر ستارخان

پس از درگذشت «ستارخان» و باوجود وصیت به دوستان و خانواده‌اش برای تدفین وی در تبریز، پیکر وی در باغ طوطی در جوار بقعه حضرت عبدالعظیم حسنی در شهرری تشییع و به خاک سپرده شد. در طول سال‌های اخیر، نوادگان ستارخان تلاش کرده‌اند تا پیکر او را با کسب مجوزهای شرعی از مراجع تقلید به تبریز منتقل کنند، ولی تاکنون این اتفاق رخ نداده است.

در سال ۹۳ در جریان بازسازی باغ طوطی، سنگ قبر ستارخان تخریب شد که در جریان حضور فاطمه دانشور، عضو سابق شورای شهر تهران، در شورای شهر تبریز، به این اتفاق اعتراض شد. باوجود وعده مسئولان درباره ساخت مقبره ستارخان در باغ طوطی، هنوز این اتفاق رخ نداده است.

خانه ستارخان

دومین یادگار ستارخان در تبریز است؛ خانه‌ای در محله امیره‌قیز که برخی آن را قلب وقایع مشروطه می‌نامند و حالا هیچ نشانی از آن دوران در این محله وجود ندارد، جز سه نشان؛ یک مسجد، یک حمام و خانه سردار که روس‌ها پس از تصرف تبریز آن خانه را با دینامیت منفجر کردند؛ خانه‌ای که نتیجه ستارخان درباره آن گفته بود: «این خانه از سوی عمه سردار به فردی فروخته شده بود که بعدها با فوت او ۷۰۰ متر از این خانه هزارمتری به افراد دیگری فروخته شده بود که حالا از خانه تنها ۳۰۰ متر باقی مانده است».

با تلاش بسیاری از افراد، این خانه ثبت و حفظ شد، اما در سال ۸۹، تراب محمدی، رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، از واگذاری این‌ خانه برای استفاده اداری کمیسیون حقوق بشر اسلامی خبر داده و گفته بود: خانه ستارخان به‌عنوان نماد مبارزات آزادی‌خواهانه این سردار بزرگ مشروطیت می‌تواند محل مناسبی برای فعالیت‌های بشردوستانه کمیسیون حقوق بشر اسلامی باشد.

ا گفته بود: «نحوه استفاده از این مکان به‌گونه‌ای تعریف شده که مانع از بازدید علاقه‌مندان از خانه ستارخان نشود»، اما اتفاقی رخ نداد. پس از انتخاب تبریز به‌عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام در سال ۲۰۱۸، مرتضی آبدار، مدیرکل میراث فرهنگی استان، از اخطار به کمیسیون حقوق بشر اسلامی برای بازکردن درهای این خانه روی گردشگران خبر داده بود؛ آبدار گفته بود اگر این اتفاق نیفتد، مدیریت این خانه از کمیسیون حقوق بشر اسلامی گرفته خواهد شد که به نظر می‌رسد چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. تلاش برای گفت‌وگو با آبدار هم درباره آخرین وضعیت این خانه قدیمی، بی‌نتیجه ماند.

تکذیب ارتباط مطالبه از انگلیس با پرونده زاغری

۴۵۰ میلیون پوند مطالبه ۴ دهه ایران از انگلیس

بعد از برجام

بعیدی‌نژاد افزود: در سال ۲۰۱۶ که عملاً اجرای برجام شروع و تحریم بانک مرکزی برداشته شد، طرف ایرانی درخواستش را تکرار کرد که این برداشته‌شدن تحریم‌ها علیه بانک مرکزی، دیگر بهانه‌ای نداشته است و این بدهی باید به‌طور کامل به طرف ایرانی پرداخت شود. البته یک مقدار ریزه‌کاری‌های حقوقی وجود داشت که دو طرف جلسات زیادی را برای حل‌وفصل آنها بین یکدیگر برگزار کردند. بنابراین همه این مطالب و شواهد اثبات‌کننده این مطلب هستند که پیگیری این پرونده حداقل بیش از سه دهه در جریان بوده است. از زمانی هم که بنده مسئولیت جدیدم را [در انگلیس] برعهده گرفتم همواره این موضوع یکی از مسائلی بوده که مرتب و پیوسته با طرف انگلیسی در سطوح مختلف مورد بحث قرار داده‌ایم. درواقع جلسهای نبوده است که بین دو طرف ایرانی و انگلیسی برگزار شده باشد و موضوع طلب ایران از انگلیس مورد بحث و بررسی قرار نگرفته باشد. بنابراین به‌طور خلاصه این مسئله، موضوع ام‌روز و دی‌روز نبوده و همان‌گونه که تشریح شد، رای اصلی دادگاه به سال ۲۰۰۱ برمی‌گردد و در سال ۲۰۰۹ هم مبلغ گام‌لی که باستی به ایران داده می‌شده مشخص شده اما همواره اجرای احکام دادگاه به دلایل سیاسی و تحریم‌هایی که وجود داشته به عقب افتاده است.

بعیدی‌نژاد گفت: امروز پس از یک دوره طولانی و هزاران ساعت بحث‌های حقوقی که بین مشاوران و وکلای دو طرف صورت گرفته به مرحله نهایی رسیده‌ایم و انتظار می‌رود به‌زودی حکم دادگاه به‌طور کامل اجرا شود و بدیهی‌شکرت انگلیسی که سهامش به دولت انگلیس تعلق دارد به ایران پرداخت شود. بنابراین این یک پرونده با روند بسیار طولانی با ابعاد و پیچیدگی‌های زیادی است که هیچ ارتباطی با مسائل دیگر ندارد... انتظارمان این است که بدهی شرکت انگلیسی به‌زودی به ایران پرداخت شود. بعیدی‌نژاد در پاسخ به سوآلی درباره مبلغ نهایی بدهی شرکت نظامی انگلیسی به ایران گفت: رأیی که دادگاه در مرحله اصلی صادر کرده است براساس محاسبه مبلغ اولیه‌ای است که ایران برای خرید آن تسلیحات پرداخت کرده است و در قبالتش سلاح به ایران تحویل داده نشد. دادگاه همچنین رای داده که از سال ۱۹۸۴ بهره به این پول تعلق می‌گرفته چراکه این پول به ایران مسترد نشده و بنابراین آن مبلغ بهره نهایی در روز پرداخت براساس حکم دادگاه هم محاسبه و پرداخت خواهد شد. همچنین مخارج قضائی و حقوقی این مدت هم اضافه می‌شود و نهایتاً با محاسبه کامل روز به ایران پرداخت خواهد شد. اما می‌تواند با اطمینان بگویم مبلغی که تعیین خواهد شد بالای ۴۵۰ میلیون پوند خواهد بود.

او در اینستارگرم خود نیز با توضیح کامل روند حقوقی این پرونده نوشت: «حالا با طی‌شدن تمامی این مراحل، اجرای این پرونده به مرحله نهایی رسیده است و به‌زودی و در روزهای آینده مبلغ مطالبه ایران به حساب بانک مرکزی ایران منتقل خواهد شد که نقطه پایانی بر این دعوی حقوقی ۴۰ساله است».

نگاه

نامه‌ای به رئیس‌جمهوری

جناب آقای روحانی

ریاست محترم جمهوری

با سلام و ستایش

● مصیبت جانسوزی که امروز دامن ما را گرفته است؛ و ما را به سوگ و درد نشانه‌د است، نه‌تنها پدیده‌ای نادر نیست؛ بلکه با توجه به اینکه بارها و بارها این مصیبت بر سر ما آوار شده است، می‌رود تا به امری معمول و متعارف تبدیل شود. دراین‌میان آنچه به نظر می‌رسد که مورد توجه قرار نمی‌گیرد، خود امر این مصیبت است. می‌دانیم کشور ما مانند بعضی از کشورهای جهان، زلزله‌خیز است. آیا برخوردی سایر کشورهای زلزله‌خیز با این امر طبیعی مانند برخورد ماست؟ درست است که به گواه همه زمین‌شناسان، زمان وقوع زلزله قابل‌پیش‌بینی نیست؛ اما با توجه به اینکه می‌دانیم روی کمربند زلزله قرار داریم، به ظاهر هیچ‌گونه برنامه‌ای که بتواند در مواقع بحران کارساز باشد، در دستور کار قرار ندارد. با توجه به همه مشکلاتی که برای اداره امور کشور در ذهن دارم؛ و باز با توجه به آن دسته از مشکلاتی که از آن اطلاعی ندارم و به حتم آن جناب از آن باخبرند و در یک جمله با امعان نظر به جمع شرایط موجود، باز پرسش‌هایی در ذهن وجود دارد که باید به آن پاسخ گفت و شایسته‌تر از همه برای پاسخ‌گویی این پرسش‌ها، رئیس‌جمهور است. هرچند بفرمایند که مشکلات متنوعی را از دولت‌های گذشته به ارث برده‌اند؛ اما این نمی‌تواند پاسخی درست و کافی به این پرسش‌های مانده در ذهن باشد. به یاد دارم که در زمان ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی، یکی از زلزله‌شناسان کشور در همداری صریح به رئیس‌جمهور، از امکان وقوع زلزله‌ای وحشتناک در تهران گفته بود. چندی بعد زلزله بم جان تعداد بی‌شماری از هم‌میهنان ما را به باد یغما داد. سپس زلزله آذربایجان مصیبتی دیگر بود که بر سر تعدادی دیگر از هم‌وطنان ما بلا باران کرد و امروز که زلزله‌ای با قدرت بیشتر، چندین شهر و صدها روستا را در هم کوید، می‌بینیم که ما هنوز نمی‌توانیم کمک‌های ارسالی از سوی مردم را درست مدیریت کنیم. البته به‌هیچ‌وجه زحمات و تلاش‌های ارجمند همه کسانی را که مسئولانه در میدان‌اند، از یاد نمی‌بریم. همچنین تلاش دولت در همه زمینه‌ها را در این دو دوره در راستای بهبود وضعیت کشور، با درنظرداشتن همه شرایط، دست‌نریزاد می‌گویم؛ اما به‌عنوان یک شهروند پاسخ این پرسش‌ها را مطالبه کرده؛ زیرا آن‌ها را جزء حقوق خود می‌دانم.

۲- چنانچه گفته شد، اگرچه بلایایی مانند زلزله پیش‌بینی‌کردنی نیست؛ اما مدیریت‌شدنی است و با توجه به امکانات و شرایط ما، حداقل انتظار این است که دارای مدیریت بحرانی چابک‌تر و تأثیرگذارتر باشیم؛ گرچه اعتقاد بر این است که بعد از زلزله بم دراین‌باره اقدامی جدی نشده است. خواهشمند است بفرمایید در این چند سال چه اقدام‌های اقدامی صورت گرفته است.

۳- از آن جناب پرسش می‌شود، اگر جایگاه نظام مهندسی یعنی فلسفه وجودی و وظیفه ذاتی آن در رفع این همه خسارت نیست، در کجاست؟ به واقع جایگاه نظام مهندسی و تجویزات آن در سازه، در متن نیست و سعی می‌شود حتی از حاشیه نیز رانده شود؛ براساس‌این اگر نظر بنده صحیح است که نظام مهندسی و تجویزات آن چرا در حاشیه قرار گرفته است و دولت شما چه اقدامی برای رفع این مشکل کرده است و اگر تمام تجویزات نظام مهندسی رعایت می‌شود؛ پس چرا کشور همسایه کمتر از ۱۰ نفر کشته می‌دهد و متأسفانه صدها نفر، به حتم توجه می‌فرمایند که خودمان را با زاین مقایسه نکردم؛ بلکه با کشور عراق جنگ‌زده مقایسه کرده‌ام؛ ضمن اینکه به دلایل گوناگون، سیاستی خود را به‌هیچ‌وجه از زاین با هر کشوری

دیگر کمتر نمی‌دانم.

۴- دادستانی کشور مسئول احقاق حقوق مردم است. آیا دراین‌باره یعنی اجرای تجویزات و دیدگاه‌های نظام مهندسی کشور ورود کرده است یا اینکه این مهم را جزء وظایف حوزه خود نمی‌داند؟ و اگر دادستانی کشور این حوزه را جزء وظایف خود نمی‌داند، چه اقدامی برای احاله وظیفه مذکور به دادستانی شد است تا خاتیان و منفعت‌طلبان که چیز ج سود خود نمی‌بینند، اجرای عدالت را در ذهن و در هر لحظه به یاد داشته باشند...

جناب آقای روحانی، ریاست محترم جمهوری! مایل نیستم بیش‌ازاین باعث سد و صرف وقت آن جناب شوم؛ ولی به تاریخ و مسئولیت تاریخی اعتقادی راسخ دارم و منظور از طرح این پرسش‌های گفته و بسیاری ناگفته جز این نیست تا آیندگان که روزی جای ما را خواهند گرفت، درک شرایط کنند.

با سپاس دوباره

مجید اسدی

م-ا-اروش